



عکاس: سید هفتخان بنی‌طاهر / میزان



چرخ‌چی با چرخ‌چی‌های نمایشگاه کتاب

چرخ‌چی‌ها در نمایشگاه کتاب تهران برای کسب حداقل درآمد در شبانه‌روز تن به هر کاری می‌دهند و سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کنند

پول هست؟ غذا و... چطور؟ جواب داد: نه بابا، اینها فقط همون دو تا چیزه می‌خوان؛ پول و کارت ملی، بعد چرخ رو به ما میدن و میرن و هیچ مسئولیتی ندارن. حتی بعضی روزها می‌تونم بگم هیچ درآمدی نداریم، ولی بعضی از روزها خوبه و تا چند صد هزار تومان هم می‌رسه، غذا و این چیزها هم نمی‌دن و خودمون یا می‌اریم یا می‌خریم. ساعت چند دقیقه‌ای به هشت مانده بود و به در خروجی نزدیک می‌شدیم. پرسیدیم که کب با این چیزهایی که گفتمی بالاخره ارزش داره که این کار رو انجام بدید؟ حین پرسیدن همین سوال دیدم که یکی از همین چرخ‌چی‌ها با چرخش که روی آن پر از زباله بود، از کنار ما رد شد. این هم برای من سوال شد و از چرخ‌چی‌ها هم پرسیدم که همکارتون چرا زباله باز زده است. او هم خیلی تند تند جواب داد: همانطور که گفتم گاهی هیچ درآمدی نداریم ولی بعضی از اوقات پول خوبی درمی‌اریم، نمی‌تونم بگم این کار ارزش نداره، چون اگر اینجا نباشیم بیکاریم. صبح اینجا صف و گاهی هم دعوا می‌شه که چه کسی چرخ رو بگیره، بعضی‌ها جای پای خودشون رو سفت کردن؛ با دادن پول بیشتر چرخ رو براشون نگه می‌دارن اما ما صبح خیلی زود اینجا حاضر می‌شیم و برای گرفتن چرخ می‌جنگیم.

دوباره پرسیدم ماجرای این چرخ زباله چی بود؟ گفت: خیلی از ما به دلایلی واقعا درآمدی تو طول روز نداریم و مجبوریم کارهای دیگه‌ای رو بگیریم؛ غرفه تمیز کنیم، اشغال‌ها رو جابه‌جا کنیم یا اینکه اگر چیز به درد بخوری توی اشغال‌ها بود جمع کنیم و وقتی از اینجا رفتیم بیرون، ببریم بفروشیم. حتی من اینجا ماشین هم شسته‌ام و... چون درها را می‌بستند، مجبور بودیم خیلی زود از نمایشگاه خارج شویم. از هم خداحافظی می‌کردیم. من هم کتاب‌هایم را برداشتم و بیرون نمایشگاه روی نیمکت‌های پارک روبه‌روی در خیابان بهشتی مصلاي امام خمینی

زیر هشتی‌های روبه‌روی شبستان نشسته بودم. خسته از گشت‌و‌گذار و حمل آن همه کتابی که خریده بودم، سایه خنکی بود. استراحت می‌کردم و این صف‌ها منقطع شده مجازی را چک می‌کردم. هر از چندگاهی صدای چرخ‌هایی که از مقابلم می‌گذشتند، بالاتر از همه مردم، تمرکز را می‌شکست و باعث می‌شد سرم را بالا بگیرم و چشمانم را از صفحه گوشی بردارم و نگاهم به صورت‌های خسته و دستان سیاه و زخم‌شده‌شان بیندازم.

حدود ۴۰ دقیقه‌ای که آنجا نشسته بودم حدود شش یا هفت چرخ‌چی از آنجا گذشتند. بعد از دومین یا سومین چرخ‌چی‌ای که گذشت از نور مناسب موجود استفاده کردم و می‌خواستیم چند تصویر از این چرخ‌چی‌ها بیندازم. گوشی تلفن همراهم را بالا گرفتم و عکاسی کردم. کمی از خستگی‌ام کاسته شده بود و ساعت هم به سرعت به اتمام نمایشگاه نزدیک می‌شد. به کتاب‌هایی که خریده بودم فکر می‌کردم که دوباره یکی از این چرخ‌چی‌ها از کنارم رد شد. پرسید: آقا چرخ نمی‌خواهی؟ گفتم: نه، این قدر سنگین نیست که به چرخ نیاز داشته باشه. کمی جلوتر رفتم، اما یک‌دفعه ایستاد، برگشت و گفت: بیا آقا پول نمی‌گیرم ازت، کسی هم که نمونه مشتری هم ندارم، همین طوری میرم تا جلوی در، اینطوری بخوای بری خیلی طول می‌کشه. من هم قبول کردم اما وقتی اینطور می‌خواست محبت کنه من هم وقتی رسیدیم و بعد از تمام حرف‌هایی که زدیم مبلغی



ابوالقاسم رحمانی روزنامه‌نگار

گزارش

پول هست؟ غذا و... چطور؟ جواب داد: نه بابا، اینها فقط همون دو تا چیزه می‌خوان؛ پول و کارت ملی، بعد چرخ رو به ما میدن و میرن و هیچ مسئولیتی ندارن. حتی بعضی روزها می‌تونم بگم هیچ درآمدی نداریم، ولی بعضی از روزها خوبه و تا چند صد هزار تومان هم می‌رسه، غذا و این چیزها هم نمی‌دن و خودمون یا می‌اریم یا می‌خریم. ساعت چند دقیقه‌ای به هشت مانده بود و به در خروجی نزدیک می‌شدیم. پرسیدیم که کب با این چیزهایی که گفتمی بالاخره ارزش داره که این کار رو انجام بدید؟ حین پرسیدن همین سوال دیدم که یکی از همین چرخ‌چی‌ها با چرخش که روی آن پر از زباله بود، از کنار ما رد شد. این هم برای من سوال شد و از چرخ‌چی‌ها هم پرسیدم که همکارتون چرا زباله باز زده است. او هم خیلی تند تند جواب داد: همانطور که گفتم گاهی هیچ درآمدی نداریم ولی بعضی از اوقات پول خوبی درمی‌اریم، نمی‌تونم بگم این کار ارزش نداره، چون اگر اینجا نباشیم بیکاریم. صبح اینجا صف و گاهی هم دعوا می‌شه که چه کسی چرخ رو بگیره، بعضی‌ها جای پای خودشون رو سفت کردن؛ با دادن پول بیشتر چرخ رو براشون نگه می‌دارن اما ما صبح خیلی زود اینجا حاضر می‌شیم و برای گرفتن چرخ می‌جنگیم.

دوباره پرسیدم ماجرای این چرخ زباله چی بود؟ گفت: خیلی از ما به دلایلی واقعا درآمدی تو طول روز نداریم و مجبوریم کارهای دیگه‌ای رو بگیریم؛ غرفه تمیز کنیم، اشغال‌ها رو جابه‌جا کنیم یا اینکه اگر چیز به درد بخوری توی اشغال‌ها بود جمع کنیم و وقتی از اینجا رفتیم بیرون، ببریم بفروشیم. حتی من اینجا ماشین هم شسته‌ام و... چون درها را می‌بستند، مجبور بودیم خیلی زود از نمایشگاه خارج شویم. از هم خداحافظی می‌کردیم. من هم کتاب‌هایم را برداشتم و بیرون نمایشگاه روی نیمکت‌های پارک روبه‌روی در خیابان بهشتی مصلاي امام خمینی

محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران درباره اعلام معاونان قبل از انتخاب شدن شهردار گفت: «در جلسه هم‌اندیشی با ۱۴ رای این دست‌ور لغو شد و دیگر نیازی به اعلام معاونان قبل از انتخاب شدن شهردار نیست.» هاشمی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه آیا فرد بعدی که شهردار می‌شود طی سه سال آینده این سمت را دارد یا مجدداً استعفا خواهد داد، گفت: «اگر شما فشار نیابوید آثارها را خود را ادامه می‌دهند.» هاشمی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه برخی از اعضای شورای شهر نسبت به انتخاب دو کاندیدای شهرداری اظهار شگفتی کرده‌اند، گفت: «بعید می‌دانم که اظهار شگفتی کرده باشند، شاید در مورد یکی دو چار شگفتی شده باشند اما قابل پیش‌بینی بود.» وی در پاسخ به این سوال که هنوز عده‌ای امیدوارند شما شهردار شوید تا طرفدار شما شوند، پاسخ داد: «از لطف‌شان متشکرم ان‌شاء... که به امیدشان برسند؛ آرزو بر جوانان عیب نیست.»

محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران درباره اعلام معاونان قبل از انتخاب شدن شهردار گفت: «در جلسه هم‌اندیشی با ۱۴ رای این دست‌ور لغو شد و دیگر نیازی به اعلام معاونان قبل از انتخاب شدن شهردار نیست.» هاشمی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه آیا فرد بعدی که شهردار می‌شود طی سه سال آینده این سمت را دارد یا مجدداً استعفا خواهد داد، گفت: «اگر شما فشار نیابوید آثارها را خود را ادامه می‌دهند.» هاشمی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه برخی از اعضای شورای شهر نسبت به انتخاب دو کاندیدای شهرداری اظهار شگفتی کرده‌اند، گفت: «بعید می‌دانم که اظهار شگفتی کرده باشند، شاید در مورد یکی دو چار شگفتی شده باشند اما قابل پیش‌بینی بود.» وی در پاسخ به این سوال که هنوز عده‌ای امیدوارند شما شهردار شوید تا طرفدار شما شوند، پاسخ داد: «از لطف‌شان متشکرم ان‌شاء... که به امیدشان برسند؛ آرزو بر جوانان عیب نیست.»

گواهی موقت اینجانب می‌باشد که فرزند پدال‌الله به ش.ش ۱۴۲ صادره از چیرفت در رشته حقوق خصوصی در مقطع کارشناسی ارشد صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهی‌نامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به آدرس ذیل ارسال نماید: کرمان - بزرگراه امام علی (ع) - دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان- اداره فارغ‌التحصیلان

کارت پایان خدمت آقای مجتبی بحرینی‌پور سیرجانی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۸۵۰۲ و شماره ملی ۹۴۴۸۸۳۵۸۳ صادره از مشهد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود مدرک فوق را به آدرس تهران صندوق پستی ۱۶۴۱۵-۳۱۳ ارسال نماید.

در پرونده کلاسه ۱۳۲۴-۹۶۰۹۹۸۲۶۵۵۵-۹۶۰ و باگانی ۹۶۱۵۳۸ این شعبه خانم مریم بزرگان فرزند پیری به اتهام تحصیل مال مسروقه تحت تعقیب قرار گرفته است. با عنایت به مجهول‌ال‌مکان بودن متهم و در اجرای مقررات ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا ظرف مهلت ۳۰ روز از انتشار این آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی با قید نتیجه عدم حضور جلب خواهد بود در این شعبه حاضر گردد. بدیهی است در صورت عدم حضور، مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل خواهد آمد. بازپرس شعبه ۲۵ بازرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ فجر کرج - سیدامیرحسین هادی م/الف/۹۷/۸۳۳۴

مدرس فارغ‌التحصیلی اینجانب محسن جلیلی فرزند علی ضامن به شماره ملی ۱۹۶۰۲۴۷۱۹۰ صادره از مسجد سلیمان مقطع کاردانی پیوسته رشته الکترونیک- برق صنعتی با شماره ۵۱۹۸۱/۶-۲۰-۰۶-۰۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان به نشانی: مسجد سلیمان - سه راه دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان کد پستی ۶۴۹۳۱۶۶۷۷۶ ارسال نماید.

سند کمپانی و سند قطعی خودرو وانت پیکان مدل ۸۷ به رنگ سفید-روغنی به شماره موتور ۱۳۹۷۳ ۱۱۴۸۷۰ و به شماره شاسی ۱۸۰ ۱۲۱۷۶ ۸۱۸۰ ۴۶۸۸۰۸۸۰ و به شماره پلاک ۱۴-۸۴۶ س ۹۴ مفقود و در درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گواهی موقت اینجانب می‌باشد که فرزند پدال‌الله به ش.ش ۱۴۲ صادره از چیرفت در رشته حقوق خصوصی در مقطع کارشناسی ارشد صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهی‌نامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به آدرس ذیل ارسال نماید: کرمان - بزرگراه امام علی (ع) - دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان- اداره فارغ‌التحصیلان

مدرس فارغ‌التحصیلی اینجانب محسن جلیلی فرزند علی ضامن به شماره ملی ۱۹۶۰۲۴۷۱۹۰ صادره از مسجد سلیمان مقطع کاردانی پیوسته رشته الکترونیک- برق صنعتی با شماره ۵۱۹۸۱/۶-۲۰-۰۶-۰۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان به نشانی: مسجد سلیمان - سه راه دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان کد پستی ۶۴۹۳۱۶۶۷۷۶ ارسال نماید.

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهنگستان

فرهنگستان

Advertisement's Organization

تلفن: ۰۲۱-۶۶۳۴۸۰۴۶-۶۶۳۴۸۰۱۸

فکس: ۰۲۱-۶۶۳۴۸۰۱۷

ایمیل: a66348018@gmail.com

درباره ایران-۱۲

درباب شناخت

محمدبن زکریای رازی

آنچه می‌خوانید سلسله مباحث دکتر علی‌اکبر کارشناسان در مجموعه برنامه‌های «ایران» در سیمای جمهوری اسلامی ایران در موضوع تبیین مفهوم «ایران» و هویت ایرانی، است که در دستون ثابت «درباره ایران» به‌صورت پاورقی در روزنامه «فرهنگستان» منتشر می‌شود.

رازی در غره شعبان سال ۲۵۱ ق به دنیا آمد^(۱) و در پنجم شعبان سال ۳۱۳ ق وفات یافت^(۲) یعنی کمتر از ۶۳ سال عمر کرده است، اما نکته این است که پزشکی را از ۴۰ سالگی شروع کرده و البته پیش از آن هم شیمی و فلسفه کار می‌کرده است.^(۳) در فلسفه، شاگرد ابوزید بلخی (۳۲۲-۳۳۵ ق) بوده و ابن ابی‌اصیبه نوشته که در پزشکی، شاگرد علی‌بن‌ربن‌طبری^(۴) بوده است. ابن در حالی است که علی‌بن‌ربن در سال ۲۵۰ ق فوت کرده و رازی سال ۲۵۱ ق به دنیا آمده است و منطقاً نمی‌تواند شاگرد او باشد. شاید از آن نظر که تحت تأثیر کتاب‌های علی‌بن‌ربن طبری به‌ویژه کتاب معروفش در پزشکی «فردوس‌الحکمه» بوده خود، جزوهای دارد در نقد جالینوس و در آن، می‌گوید این مقدار می‌نویسم ضمن عذرخواهی از استاد جالینوس. یعنی پوزش می‌طلبید که آن استاد را نقد می‌کند و در مقام بزرگداشت جالینوس، وی را استاد خود می‌خواند. ملاحظه کنید جالینوس (۱۹۹-۱۲۹ م) که یک پزشک یونانی‌زبان اهل اسکندریه در قرن دوم میلادی بوده^(۵) تا زمان رازی قرن‌ها فاصله داشته است، اما رازی او را استاد خود می‌خواند. پس اگر ابن ابی‌اصیبه می‌گوید رازی شاگرد ابن‌ربن طبری بوده این بدان معناست که رازی تحت تأثیر آثار او بوده است.

یکی از وجوه مهم علمی محمد بن زکریای رازی این است که پل میان علوم شبه‌فاره هند، ایران، یونان، روم و اسکندریه بوده است. رازی هنگام تالیف کتاب «الحای» یا دیگر کتابش، «طب منصوری»^(۶) یا مولفات دیگرش در فلسفه و سایر علوم، در حقیقت نخست مولفات علمی دیگران است، از هرکجایی عالم که بودند، ملاحظه می‌کرده است، خواه آن را دیگری ترجمه کرده باشد، خواه به زبان مبدا باشد و خواه، خود دست به کار ترجمه مکتوب آن به زبان عربی یا فارسی شود.

پایه هفتم سمپاد، آزمون ندارد

عبدالرسول عمادی، رئیس مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش اظهار داشت: «آزمون سمپاد برای ورود به پایه دهم مانند سایر آزمون‌ها قبل برگزار می‌شود اما بر اساس دستور وزارت آموزش و پرورش هیچ آزمونی برای ورود دانش‌آموزان به پایه هفتم برگزار نمی‌شود، ولی با روش‌های جایگزین مانند وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، و آزمون‌های جذب مدارس استعدادی درخشان می‌شوند.» وی افزود: «در راستای سیاست‌های جدید آموزش و پرورش، در سال ۹۷، هیچ آزمونی برای ورود دانش‌آموزان به پایه هفتم برگزار نمی‌شود، اما اینکه دانش‌آموزان با چه روشی جذب مدارس استعدادی‌های درخشان شوند، در روزهای آینده از سوی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، و آزمون‌های جذب مدارس با روش‌های مختلف اعلام می‌شود.» عمادی تصریح کرد: «طبق آنچه آموزش و پرورش به مناطق ابلاغ کرده است، برگزاری آزمون برای ورود به مدارس ممنوع است و ادارات آموزش و پرورش مناطق از این‌س موضوع مراقبت می‌کنند، اما ممکن است مدارس با روش‌های دیگری اقدام به پذیرش دانش‌آموز کنند.»

۱- ابوالحسن بیرونی، محمد بن احمد، رساله فی کتب الرازی، به اهتمام پاول کرواس، پاریس، ۱۹۲۶، ص ۴.

۲- عمر او را به حساب قمری ۶۲ سال و پنج روز و به حساب شمسی، ۶۰ سال و ۱۰ ماه نوشته‌اند. (محقق، مهدی، فیلسوفی، محمد بن زکریای رازی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۷)

۳- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، المختصر فی اخبار البشر، تاریخ ابی‌الفداء، تصحیح محمد افندی، بیروت، دار المعرفه للطباعة والنشر، بی تا، ج ۲، ص ۷.

۴- ابوالحسن علی بن سهل ربن طبری پزشک، داروشناس و دانشمند بزرگ ایرانی در قرن دوم و سوم هجری و از مردم مرو بود که از نظر علمی منزلی والا دارد و در کنار دانشمندان بزرگ چون رازی، علی بن عباس اهوازی و ابن سینا، یکی از چهار دانشمند و پزشک بزرگ جهان شمرده می‌شود. (خدایی، سیدعلی‌اکبر، «ابن ربن طبری»، دایره‌المعارف پزشکی اسلام و ایران، زیر نظر علی‌اکبر ولایتی، تهران، فرهنگستان علوم پزشکی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۶؛ ولایتی، علی‌اکبر، ایران از آغاز دوران اسلامی تا حمله مغولان، از مجموعه تاریخ کهن و معاصر ایران زمین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲، ج یک، بخش ۲، ص ۱۰۶۹)

۵- بی‌پس می‌گوید: «جالینوس بزرگ‌تر حکمای عصر خویش بود؛ چنانکه نیست همتا [می‌تواند] آمد در علم طب و گوشت و خون و وی را در آن [موضوعات]، رسالتی است سخت نیکو در شناختن هر کسی خوشی را که خاوندان راز آن بسیار فایده باشد.» (بی‌پس، ابوالفضل، تاریخ بی‌پس، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ج یک، ص ۱۵۸)

۶- طب منصوری یا کتاب منصوری مهم‌ترین کتاب رازی در دانش پزشکی پس از الحای است. این کتاب ۱۰ مقاله دارد. مقاله اول در تشریح است و در آن، شرح می‌دهد که میان ریه و قلب ارتباطها و مجاریها وجود دارد که هوا از آن نفوذ می‌کند. بدین گونه شاید بتوان ادعا کرد که رازی ۳۵ سال پیش از ابن‌نفس وجود ارتباط راه‌های عبور خون از قلب به ریه آگاهی داشته است؛ هرچند اولین در طب منصوری مانند جالینوس، از ارتباط بطن راست و چپ منفذ میان آنها سخن می‌گوید. (دانش پژوه، محمد، «تاریخ شناخت دستگاه گردش خون و بیماری‌های آن در دوره اسلامی»، تاریخ علم، ۲۰۳، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸-۱۰۷)

ادامه دارد